



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۷/۰۶

داود ملکيار

نکاتی چند به ارتباط مرگ سوال برانگیز احمد ظاهر

قسمت یازدهم

(به ادامه قضیه مرگ مرحوم احمد ظاهر)

درین قسمت به گزارش یک شاهد عینی دیگر (آقای اسماعیل محشور) که در زمان قتل مرحومه خالده پرگل به حیث ولسوال پغمان ایفای وظیفه میکرد و به هدایت والی کابل (دکتور محمود حبیبی) در جمله چهار نفر هیأت تحقیق احمد ظاهر مؤظف شده بود، مراجعه میکنیم.

اسماعیل محشور در زمان حادثه سالنگ و مرگ احمد ظاهر، از وظایف دولتی سبکدوش و به حیث خبرنگار آزاد برای مجله ژوندون کار میکرد، و به مجرد رسیدن خبر حادثه سالنگ، همراه با یک نفر عکاس و یک موتر مؤظف می شود تا بزودی به محل حادثه رفته و راپورتاژ تهیه نماید. اسماعیل محشور در راپور مفصل خویش چنین می نویسد:

"وقتی به محل تصادم موتر رسیدیم، مصدومین به شفاخانه انتقال داده شده بودند، ولی چند نفر منجمله کودک و بزرگسال که همه شاهدان حادثه بودند، در آنجا حضور داشتند و به اثر تقاضای من، چشم دید شانرا چنین ارایه داشتند:"

"حوالی بعد از ظهر، وقتی صدای تصادم موتر را شنیدیم، از بالای کار و خانه های خود بیرون شده و راهی محل حادثه شدیم. موتر با سنگ کنار سرک تصادم نموده و همه سرنشینان آن که چهار نفر، دو مرد و دو زن بودند، زخمی شده بودند. زخم یک نفر شان کاری بود. در اول ما کوشش کردیم که از موتر های در حال عبور به طرف جبل السراج و کابل خواهش کنیم تا در انتقال زخمی ها کمک کنند، اما اولاً کسی توقف نمی کرد و اگر توقف هم میکرد، بردن چهار نفر برای شان مقدور نبود. بعد ها تصمیم گرفتیم تا از موتر ران ها خواهش کنیم که تنها همین یک نفر را که خیلی وضع خراب داشت و زخمش عمیق بود، انتقال دهند. بلاخره بعد از یک یا دو ساعت یک درپور حاضر شد که کمک کرده و زخمی ها را انتقال بدهد."

اسماعیل محشور در ادامه راپور چنین می نویسد:

"بعد از شنیدن این جریان، من با درپور و عکاس با عجله به طرف جبل السراج روانه شدیم، وقتی به آنجا رسیدیم گفتند که وضع یکی از زخمی ها نسبت خون ریزی زیاد وخیم بوده و به پروان منتقل شد. وقتی به شفاخانه پروان رسیدیم، شاهد رخداد خونین و جگرسوز، در خون غوطه ور بودن احمد ظاهر شدیم. و در همان لحظه اول من احمد ظاهر را شناختم و در همین وقت متوجه شدم که هنرمند بد چانس ما دچار سانحه شده است. من خودم از نزدیک دیدم که سوراخی عمیقی در میان چشم چپ و گوش چپ (شقیقه چپ) احمد ظاهر ایجاد شده که هنوز هم چون چشمه کوچکی از آن خون جاری بود. وقتی از داکتر پرسیدم، برایم گفت که نسبت عمیق بودن جرح و خون ریزی زیاد، همه امید های زنده ماندن مجروح برباد رفته است. من از داکتر مؤظف پرسیدم که جرح توسط چی به میان آمده است؟ داکتر توضیح داد که که جرح ناشی از تصادم بوده و کدام آله ناریه به کار نرفته است. درین وقت در حالی که هوا تاریک شده بود، مامورین امنیتی با عجله جسد بی جان احمد ظاهر را همراه با سه نفر همراهانش به کابل انتقال دادند."

اسماعیل محشور خلاصه نظرش را در مورد این حادثه چنین می نگارد:

و اما چگونگی دقیق این رویداد غم انگیز با استفاده از چشم دید خودم و اظهارات همراهان احمد ظاهر در جریان تحقیق، به شرح زیر است:

"وقتی موتر با دیوار پلچک تصادم میکند، احمد ظاهر به طرف جلو پرتاب می شود. از بخت بد، طالع بد و چانس بد، در همین لحظه که احمد ظاهر به طرف جلو پرت می شود، در اثر تصادم موتر، سیخ آفتاب گیر موتر که عموماً

د پاپو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

المونیمی می باشد، راست میگردد و مانند خنجر به شقیقه احمد ظاهر که به شکل خیز در حال توقف آبی موتر به طرف جلو پرتاب شده بود، داخل میگردد و سانه جانگدازی را به میان می آورد. یعنی جرح ایجاد شده توسط سیخ المونیمی افتابگیر آنقدر عمیق و کشنده بود که به گفته داکتر ها، اگر در همان لحظه اول هم به شفاخانه می رسید، نجاتش کار سهل و آسانی نبود. اینست حقیقت تلخی که به رویت اسناد و دلایل روشن ارایه گردید". اسماعیل محشور اضافه میکند که:

"خاموشی ابدی احمد ظاهر، عمدتاً ناشی از بی احتیاطی، تن به خواهشات و شوق های جوانی دادن و یک مقدار هم از شهرت بی مانند این هنرمند بی بدیل می باشد، زیرا شهرت او سبب شده بود که همه بخواهند خارج از حد معمول برایش تعارف و تشریفات نموده و با هیچ آرزو و اقدامش مخالفت نکنند". ختم نقل از راپور آقای اسماعیل محشور". به ارتباط حادثات ترفیکی و صدمات بدنی ناشی از آن، من (د. ملکیار) درین هفته با دو داکتر صحبت نموده و نظر شانرا پرسیدم.

یکی ازین داکتران جوان داکتر مشعل بود که در بخش عاجل و Trauma center در یکی از شفاخانه بزرگ کلبفونیا کار میکند و روزانه با چندین حادثه ترفیکی و دیگر وقایع عاجل سر و کار دارد. او گفت: در تصادمات و حادثات ترفیکی، آنچه سبب مرگ فوری می شود، قرار ذیل است:

1- Lung collapse-tension pneumothorax

یعنی سقوط و فروکش کردن شش ها که حتی در بعضی مواقع، در سرعت های متوسط هم واقع می شود و در ظرف چند دقیقه سبب مرگ می گردد.

2- Cardiac Tamponade (bleeding around sac of heart)

به معنی خون ریزی در خریطه خارجی قلب که در اثر تکان خوردن قفس سینه، در تصادم های ترفیکی بوجود می آید و سبب مرگ فوری میگردد.

3- Aortic dissection

یعنی پاره شدن و گسستن شریان بزرگ که در بالای قلب واقع شده و خون را از قلب به تمام بدن می رساند، و در صورت پاره شدن آن، که بعضاً "با تکان شدید در اثر تصادم موتر، واقع میگردد، مرگ فوری را به دنبال می داشته باشد.

4- Head trauma

به معنی ضربه و صدمه به سر انسان که سبب خون ریزی مغزی می شود، در تصادمات بسیار اتفاق می افتد، و می تواند در ظرف نیم ساعت و یا بیشتر از آن سبب مرگ گردد.

داکتر مشعل افزود که درین چهار حالت، چانس نجات مریض از مرگ، بسیار کم است. اما در حالات دیگر، ممکن است صدمه به اعضای داخلی بدن برسد، اما سبب مرگ فوری نمی شود، و اثرات و اعراض آن در ساعات و روز های بعد، تشخیص، و اکثراً "تداوی شده می تواند.

از داکتر مشعل پرسیدم که:

اگر سیخی آهنی به طول دو انچ یا پنج سانتی متر، در ساکت چشم فرو رود، آیا ممکن است صدمه وارده به مغز برسد و سبب مرگ گردد؟

او چنین جواب داد:

"بلی، حتی کمتر از ۲ انچ هم می تواند سبب خون ریزی و پندیدگی و آماس در مغز گردیده و منجر به کوما و بلاخره مرگ گردد.

اینکه چرا چند نفر در یک موتر، حین تصادم، عین صدمات بدنی را متحمل نمی شوند، مربوط به موقعیت فیزیکی، وضع صحی هر یک، وزن، سن و سال و ده ها عامل داخلی دیگر است که در هر حادثه و برای هر انسان فرق میکند"

ختم گفتار داکتر مشعل.

ادامه دارد

[آرشیف: نویسند](#)